

جارجی‌های ایدئولوژی جنگ



کیومرث اشترینان

شبکه‌های اجتماعی دوران جدیدی را برای جارجی‌های ایدئولوژی جنگ رقم زده است. «چارلی کرک» یکی از آنان بود. وی یک فعال سیاسی محافظه‌کار و بنیان‌گذار گروه «نقطه عطف آمریکا» و از حامیان اسرائیل بود که به قتل رسید. ترامپ نوشت: «چارلی کرک بزرگ و حتی افسانه‌ای، درگذشت. هیچ‌کس قلب و روح جوانان ایالات متحده آمریکا را مانند چارلی درک نکرد. او محبوب و مورد ستایش همه بود…». آری او قلب و روح بسیاری از جوانان را «رپوده» بود.

در بازار دیدهاید که گاه جارجی‌هایی بر در مغازه‌ها می‌ایستند و تبلیغ اجناس می‌کنند. آنان اغلب صاحب مغازه نیستند، شاگرد هم نیستند، اما چنان در کار خود جدی‌اند که گویی مالک مغازه‌اند. با شور زانداالوصفی «نکته‌ها گویند با سوداگران». معمولاً وابسته به صاحب مغازه هستند؛ هرکس که می‌خواهد باشد. مهم این است که خوراک روزانه خودنمایی آنان فراهم شود.

چارلی کرک یک جارجی ایدئولوژیک و یک بوقچی تبلیغات سیاسی بود. از این قماش در کشور خودمان هم کم نداریم.

پرداختن به جارجی‌ها از آن‌رو اهمیت دارد که معرکه‌گردانان بازار مکاره سیاست به سوی جنگ‌اند. در حکومت‌های «الیکارشیک-دموکراتیک» نقش آفرینی‌های مخرب دارند و گاه تا حد شاه‌سازی (King Makers) هم پیش می‌روند. چارلی کرک کالای ایدئولوژی نژادپرستانه سرمایه‌داری می‌فروخت. نماد محافظه‌کاری پوپولیستی نوظهور حزب جمهوری‌خواه و کسی بود که نقشی اساسی در جلب حمایت رأی‌دهندگان جوان به دونالد ترامپ داشت. ترکیب دموکراسی با الیکارشی از همین جنبش توده‌ای ایدئولوژیک آمریکایی درآمده است. کرک نماد «جمهوریت توده‌ای» نظام سرمایه‌داری بود.

اما ویژگی‌های جارجی‌های ایدئولوژیک که در جای‌جای جهان و از جمله در ایران پراکنده‌اند، چیست؟

• جارجی‌های ایدئولوژیک بیشتر در میان محافظه‌کاران و راست‌های افراطی دیده می‌شوند و دنیا را با عینک توطنه می‌بینند. تئوری‌های توطئه، جاشنی خوشمزهای برای خوراک سیاسی جوانان است. جارجی‌ها از استدلال تهی هستند، از این‌رو قضا‌های اسرارآمیز سیاسی می‌سازند تا مخاطب را فریفته کنند.

• باورهای بی‌اساس را به صورت راسخ بیان می‌کنند. فن بیان خوبی دارند، جوانان را شقیفه خود می‌کنند و به سیاست هیجان می‌آورند؛ باد بوق‌اند. «سخنرانی و سخن‌بازی» سرمایه اصلی و «کان لعل» آنان است: «چون کان لعلی یافتم، من چون کدانداری کنم؟».

• در الیکارشی‌های شبه‌دموکراتیک کارکرد آنان بی‌حیثیت‌کردن رقبا و حذف حریفان از درون رژیم سیاسی است.

• بسیاری از جوانان که دوره نوزادی خود را در سیاست آغاز می‌کنند، سیاست را همچون فوتبال می‌بینند و به‌سرعت می‌خواهند که هوادار باشند تا هویت یابند. از آن‌جا که در پی هیجان هستند و نه منطق، در پی انگیزه‌های هستند که محکم و پیرشور در صحنه حاضر شوند. لذا نیاز به کسی دارند که باورهایی محکم و کلاایی جذاب به آنان دهد تا همچون جاقویی تیز بُرد و چون پتکی سهمگین بکوبد و شور سرمستی و غرور جوانی‌شان را پاسخ‌گو باشد. • فقط جوانان نیستند که مجذوب آنان می‌شوند؛ از متخصصان علوم سیاسی گرفته تا متخصصان گوش و حلق و بینی نیز مجذوب آنان می‌شوند. درواقع همه خرقة آلوده‌ایم و جامه نیک‌نامی را به خرقة می‌آلود می‌فروشیم. از شهرآشوبیِ اینان برای حفظ قیای صدارت خودمان شاد می‌شویم. هر یک به طریقی نیازمند چنین جارجی‌هایی هستیم. حالا اگر نتوانند جنس ما را بفروشند حداقل می‌توانند رقیب ما را بی‌حیثیت کنند.

• باورهای خرافاتی خود را با معنویت و رسالت آن‌جهانی یکی تلقی می‌کنند. از هر مکتب و مسلکی که باشند، آخرالزمانی و «مسیایاتیک» هستند (Messianic). رقیب روشنفکری مدرن و بلکه دشمن آنان‌اند. کمتر اثر مکتوب دارند. درواقع جمعیت مخاطب آن‌ها علاقه‌ای به خواندن ندارد. سخنرانی‌های دلکش آنان تیغی مردم‌گش است که افکار عمومی را به بیراهه افراط‌گری و جنگ می‌کشاند.

• دروازه‌ای که سیستم‌ها برای آنان باز می‌کنند، نو به نو جارجی‌های رقیب می‌زاید؛ «در بگشا که آمد خامی دیگر/ چون دولت شاه است، جامی دیگر». به همین دلیل آنگاه که تاریخ‌مصرف‌شان سبزی می‌شود، به «دوره المیاه» سیاست پرتاب می‌شوند.

یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۴
۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
۲۱ سپتامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۰۸
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

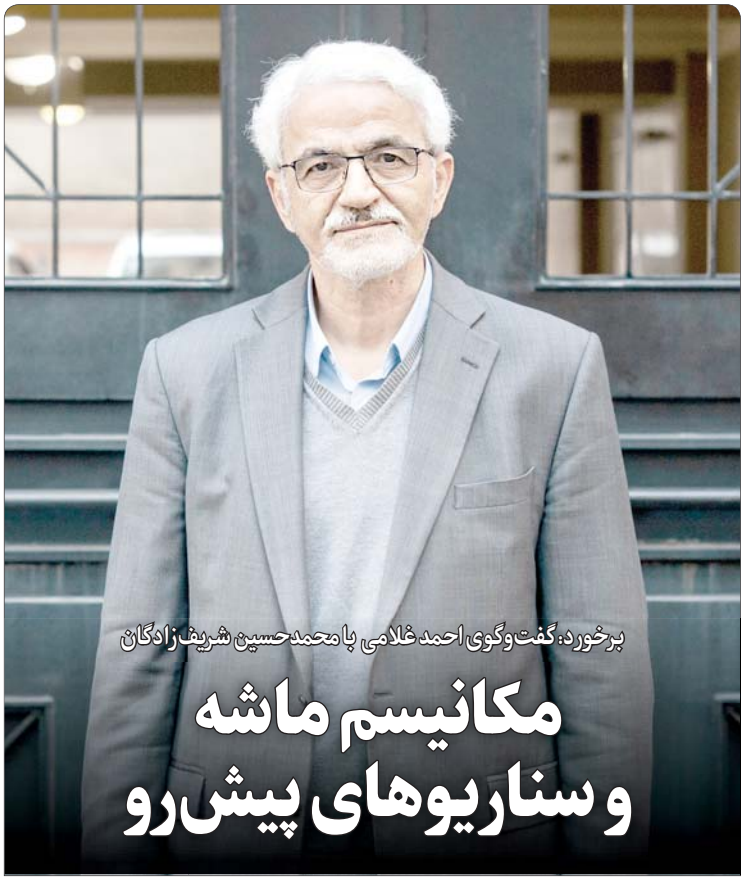
در «شرق» امروز می‌خوانید:

در «شرق» امروز می‌خوانید: بازخوانی کتاب «صلح را از کودکی باید آموخت» نوشته توران میرهادی • شاگردان رنگرز هم مثل آزادکاران قهرمان جهان شدند • سایه ترامپ بر سر آزادی بیان

گزارشی درباره ۲۱ سپتامبر، روز جهانی صلح، در سالی که هزاران نفر کشته و آواره شدند

جهان زیر سایه جنگ

گزارش تیتربیک را در صفحه ۸ بخوانید



پرونده گفت‌وگویی احمد غلامی، پامحمدحسین شریف زادگان

مکانیسم ماشه و سناریوهای پیش‌رو

یادداشت

بازار مشترک اسلامی و قدرت بازدارندگی نرم آن



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

رادر برنامه ایجاد «اسرائیل بزرگ» را دنبال کند. البته رفتارهای تندروانه برخی محافل سیاسی در داخل کشور نیز همسو با مکر دشمنان این موج را بزرگ‌تر و توفنده‌تر می‌ساخت. تهاجم رژیم صهیونیستی به دوحه در هجدهم شهریورماه هرچند در مقایسه با تحمیل جنگ تمام‌عیار ۱۲روزه به ایران، اتفاقی بسیار کوچک تلقی می‌شود، اما بی‌تردید از نظر آثاری که در سپهر سیاسی و فرهنگی منطقه بر جای گذاشته، دست‌کمی از آن ندارد و حتی این ادعا که آثار آن عمیق‌تر است، چندان اغراق‌آمیز به نظر نمی‌رسد. این تهاجم از یک سو نشان از خوی سلطه‌گری و بی‌اعتنایی به قوانین بین‌المللی این رژیم داشت و از سوی دیگر، مهم‌تر از آن بی‌اعتباری هرگونه تعهدات نیروهای فرامنطقه‌ای برای حمایت از کشورهای منطقه را به رخ کشید و ثابت کرد حضور چنین قدرت‌هایی هرگز نمی‌تواند برای مردم منطقه امنیت و آرامش به ارمغان بیاورد، زیرا آنها سودایی دیگر در سر دارند. علاوه‌براین، این تهاجم نشان داد خطر واقعی و تهدید واقعی برای صلح، آرامش و توسعه منطقه نه ایران بلکه رژیم صهیونیستی

یادداشت

تصاحب بازار ایران توسط چین



کیکاووس پورایوبی

قبل از پرداختن به موضوع اصلی تحلیل، مقداری از قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی چین توضیح داده می‌شود. اگر تا دیروز چین با رشدی فزاینده، اقتصاد جهان را پله به پله در حال پیچودن بود و با سیاستی محتاطانه و محافظه‌کارانه، مارپله‌های پیشرفت اقتصادی را یکی پس از دیگری می‌پیچود و با مدارا و صبوری کنفوسیوس‌گرا و بودایی مهار افسار، بر دهان اسب سرکش کمونیست مانوئیست زده بود، امروزه عملاً ثابت کرد سودایی برای ابرقدرت‌شدن و هژمون‌شدن نظام بین‌الملل دارد. رژه نظامی اخیر آن در ۱۲ شهریور ۱۴۰۴ همه را مدهوش خود ساخت که شی جین‌پینگ در کنار پوتین و کیم جونگ اون چگونه از موشک‌های بالستیک و قاره‌پیما با کلاهک‌های هسته‌ای خود سان می‌بیند و آنان را به عرضه عمومی گذاشته است. این وقایع چنان برای ترامپ تلخ بود که ناچار شد بپذیرد نظم نوینی در آسیا

در حال اتفاق است و قافیه را بدجوری باخته و مجبور شد بیان کند در اتحاد چین، روسیه و هند توافقی نامبارک برای ایالات متحده آمریکا رخ داده است. در سال‌های اخیر دو پیمان مهم در سطح بین‌المللی رخ داده است که هرچند موضوع بحث ما در این مقال نیست، اما به صورت خلاصه‌وار اشاره‌ای به آن باید کرد، پیمان‌های شانگهای و بریکس؛ پیمان‌هایی در قالب اتحادیه‌های بین‌المللی به منظور اهداف امنیتی، اقتصادی و سیاسی؛ پیمان شانگهای البته همانند پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان ورشوی سابق هنوز یک معاهده دفاعی چندجانبه به شمار نمی‌رود. چنانچه ملاحظه کردیم، ایران که عضو پیمان شانگهای است، در طول جنگ ۱۲روزه هیچ‌گونه پشتیبانی از طرف کشورهای عضو نند و اکثریت آنان فقط با صدور بیانیه‌ای حمایت خود را از ایران اعلام کردند؛ پس می‌توان نتیجه گرفت در زمینه سخت‌افزاری و کمک‌های لجستیکی و نظامی نمی‌توان به قدرت چین اتکنا کرد که بخواهد تکنولوژی و فناوری پیشرفته نظامی خود را در مقابل غرب و اسرائیل در اختیار ما قرار دهد، درحالی‌که هنوز ریسک حمله به تایوان را نمی‌پذیرد، بنابراین باید بپذیریم هنوز مرحله بلوغ نظامی پیمان شانگهای برای کمک به اعضا به‌ویژه کشور ما فراهم نیست. بحث مقداری به منظور

است؛ تهدیدی با رنگ‌بوی اسلام‌ستیزی و مسلمان‌کشی که اینک با رؤیای ایجاد اسرائیل بزرگ و مسلط بر کل منطقه وارد میدان شده است. به دنبال تهاجم به دوحه تحرکات دیپلماتیک وسیعی در منطقه شکل گرفته است. برگزاری نشست اضطراری سران کشورهای اسلامی را می‌توان نقطه شروعی برای شکل‌گیری سازوکاری جدید در مناسبات کشورهای اسلامی دانست. در این نشست برخی از سران با صراحت از لزوم اقدام علیه اسرائیل به جای استفاده از کلمات، از ضرورت تحریم این رژیم جعلی تا تلاش برای لغو عضویتش در سازمان ملل، از فشار به شورای امنیت برای پاسخ‌گوکردن جنایتکاران جنگی صهیونیست تا برقراری پیمان‌های دفاعی بین کشورهای اسلامی سخن گفتند. اما دراین‌میان سخنان ریاست‌جمهوری کشورمان برجستگی خاصی داشت؛ آنجا که حمله رژیم صهیونیستی به دوحه را اعلان جنگ علیه کرامت جامعه اسلامی دانست و خواهان مرعوب و متفرق‌نشدن و ساکت‌ننشتن کشورهای اسلامی و ایجاد نظامی نو مبتنی بر وحدت اسلامی و برادری و برابری انسانی شد.

به باور نگارنده یک نکته نمایان در این حمله، انجام آن در هفته وحدت است، به بیان دیگر پیام این حمله در چنین روزهایی، این است که دشمن صهیونیست نگران وحدت جامعه اسلامی نیست و باور دارد با بذر تفاهق که در این سرزمین‌ها با همت استعمارگران پاشیده شده، امکان اقدام قاطع علیه دشمن مشترک وجود ندارد. ازاین‌رو برداشتن کام‌های اصولی در مسیر وحدت، دشمن را متوجه اشتباه راهبردی خود خواهد کرد.

مهم‌بودن شرایط ما امنیتی و سخت‌افزاری شد. در ابعاد اقتصادی و نرم‌افزاری روابط بین ایران و چین دارای فرازونشیب‌هایی است، مدام صحبت از قرارداد همکاری ۲۵ساله بین دو کشور می‌شود که در سال ۲۰۲۱ یکپن متعهد شده است ۴۰۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کند، البته این سرمایه‌گذاری لازم است، اما کفاف میاحتاج سرمایه‌هایی را که لازمه رشد اقتصادی هشت درصد در سال باشد، نمی‌دهد؛ چیزی که اقتصاد ما به‌شدت به آن نیازمند است، گرچه اقتصاد دو کشور وابستگی عمیقی به هم پیدا کرده‌اند، اما اشتباه محاسباتی نکنیم، ایران کشوری است که چین به طور واقعی به آن نیاز دارد. چین به‌سادگی نمی‌تواند جایگزینی برای حدود ۱۳ درصد نفت وارداتی‌اش از ایران را آن‌هم نفت ارزان‌قیمت در بازار پیدا کند. ما با فروش نفت به چین حدود ۱۶ میلیارد دلار در سال صادرات به آن کشور داریم، و چین چیزی بالغ بر ۱۹ میلیارد دلار صادرات به ایران دارد، البته نباید فراموش کنیم که این آمار از منابع رسمی اخذ شده است و آماري که میزان صادرات و واردات را با لحاظ تحریم‌ها نشان دهد، در دسترس نیست، پس حجم اصلی مبادلات در این موارد لحاظ نشده است. رابطه نزدیک ایران و چین نیست که خاطر هر شهروندی را مکدر و نگران کرده است، رابطه‌ای که الزامی و مورد احترام است، بلکه اشباع و تصرف بازار ایران به وسیله کالاهای چینی است که عمدتاً بی‌کیفیت، مصرفی، فاقد ارزش و حتی بنجل دیده می‌شود. زمانی که با شهروندان و کسبه جزء هم صحبت می‌کنی، به‌راحتی مدعی می‌شوند اولاً کالاهای چینی است و کالاهای ایرانی قدرت رقابت با کالاهای چینی را ندارند و بازار کاملاً از سوی چین تصاحب شده است، در ثانی به صورت فله‌ای وارد کشور می‌شود؛ پس محصولات مرغوب و برند نیستند، ثالتاً از نوع نامرغوب و دست‌سومی هستند و هرکسی مدعی باشد این کالا غیرچینی است، واقعیت را به خریدار نگفته است. شاید بارزترین و مهم‌ترین محصولی که امروزه شهروندان زیادی را پراخت هزینه گزاف دریافت می‌کنند، خودروهای چینی باشد؛ خودروهای فاقد استاندارد و بدون کیفیت لازم.



به یاد سیروس پرهام و کتاب جریان ساز «رنالیسم و ضدرنالیسم در ادبیات»

علیه واقعیت شخصی

برگزیده‌ها

«شرق»، سفر رئیس‌جمهور ایران به آسمان استونی رنگ خطر مذاکرات را در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی می‌کند

خان هفتم در نیویورک

رورد جنگنده‌های روسی به آسمان استونی رنگ خطر تازه‌ای برای مرزهای شرقی ناتو به صدا درآورد

جسارت پوتین سکوت واشنگتن

گزارش «شرق» از وضعیت نابسامانی که صدای همه را درآورده است

ورزشگاه نداریم سؤال نفرمایید

متن سخنرانی عمادالدین باقی به مناسبت روز جهانی صلح

ایران، حقوق بشر و آشتی ملی

نگاه

مطالبه زندگی در خواب آشفته ما یادداشتی از حسین نوری‌نیا

دنیای این روزهای ما

«به راه بادیه»



رامین خسروخاور

در عصر تردید، که زمانه از تکرار فرسوده است و زمین از زخم، در روزگاری که واژه‌ها کم‌رنگ‌اند و رؤیاهای قاب خاطره فراتر نمی‌روند، جهانی در گذار، با مردمانی دل‌خسته میان خاکستر و اشتیاق. اقتصاد چوپرگار به هر سو در دوران، از نبض‌های بریده، سسونامی بی‌تدبیری و از جهش‌های توخالی.

از دلالی بی‌درنگ و سوداهای بی‌سرانجام؛ ولی هنوز در سینه تولید، تپشی هست و قلب‌ها عاشقانه می‌تپد. هنوز در ذهن مهندسان فردا، طرحی نو درمی‌پیچد، هنوز امید به رهایی از رانت و رکود، زنده است. آری

«به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل و گر مراد نیابیم، به قدر وسع بکوشم». خسته است آموزش و یادگیری از دفترهای بی‌درنگ و تخته‌های بی‌جان، از محتواهای منسوخ و روش‌های کهنه، دانشگاه‌های نسل‌رفته، اما در گوشه‌ای از کلاس، کودکی خیال‌پرداز قلم می‌زند؛ و شاید در آن خیال، جهانی نو متولد شود. خسته است انرژی، از سوزاندن بی‌ساخت و بهره‌کشی بی‌ملاحظه؛ اما خورشید هر روز، بی‌توقع می‌تابد، باد، در سکوت، در پی رهایی است؛ اگر گوش جان بسپاریم، پیام‌شان را خواهیم شنید.

آری: «تو میندار که خاموشی من، از رضای دل است که زبان دل من، در دل شب غوغاها دارد». خسته است سازه، از بارهای بی‌تدبیر، از معماری بی‌معنا و سازه‌های بی‌سازه؛ اما در دل سلخ‌نگی، طرحی برای بازساخت می‌چنبد، اگر پنبیناد را بر خرد و شایستگی بگذاریم.